

# از پیام امام چماق تکفیر نسازید

این بزرگترین خدمت به امپریالیسم و عوامل وابسته داخلی و ضد انقلابی آنست که شمول رهبری امام با اینگونه تحریفها و نفوذهای تلقینی و تبلیغی به سود گروههای انحصار طلب مورد تجاوز قرار گیرد.

«ظالم آن قومی که چشمان دوختند»  
«وز سخن ها عالمی را سوختند»  
«عالمی را یک سخن ویران کند»  
«روبهان مرده را شیران کند»  
«جلال الدین محمد»

گروههای انحصار طلب پیام امام را بصورت چماق تکفیری در آورده اند برای اینکه بر سر هر گروه و

فرد مخالفی بکوبند در حالی که ما از داریم که رهبری امام باید شمول روز نخست گفتیم و همچنان اعتقاد معنوی خود را در جامعه ما حفظ کند!

بقیه در صفحه ۶۰



یکشنبه دهم فروردین ۱۳۵۹ هجری شمسی

آمادگی ما برای مقابله با توطئه ها و بسیج مردم و دفاع از انقلاب و جلوگیری از استقرار مجدد امپریالیسم امریکا چگونه است؟

## علی اصغر حاج سید جوادی

تهران خارج شده بود از شمال بسوی بغداد و سپس به ایتالیا پرواز کرد در آن هنگام یکی از مشاورین اصلی دولت در یکی از تظاهرات فرار شاه در بیست و شش سال قبل که نقشه های اولیه کودتای امریکائی شاه سابق علیه دولت ملی دکتر مصدق بر ملا شد: شاه سابق که از

# راه دراز تاریخ...!

دولت پاناما ظاهرا با خاطر سر و سامان دادن به مسئله گروگانهای سفارت آمریکا از دولت ایران میخواهد که اسناد مربوط به جنایات شاه را برای رسیدگی قضائی به دادگستری پاناما در طرف شصت روز مهلت قانونی تسلیم کند؛ ظاهرا بیست روز پس از این تقاضا مسئله تنظیم دادخواست از طرف شورای انقلاب به دادگستری احواله میشود و در آخرین ساعات انقضای مهلت نمایندگان قضائی ایران برای تسلیم دادخواست به دولت

را با این جمله طنزآمیز تعبیر کرد که «تحفه ای که بنا بود به تهران برگردد به بغداد رفت» این جمله در روزهای دهه بقیه در صفحه ۲

که انجنان شورانگیز به راه افتادند و کشته دادند و کشته گرفتند و پیروز شدند به امید اینکه پیروزی آنان بر نظامی آنجنان سرابا دروغ و فساد و ظلم و فدوی و استثمار و وابستگی

## یکسال پس از آن همه پرسشی باشکوه

از هر طرف که رفتیم، جز وحشتم نیفزود ز نهار از این بیابان، وین راه بی نهایت حافظ

### اسلام کاظمیه

شاید بهروزی رفع ظلم و فساد و دروغ و دغل و تبلیغات میان تهری را در پی داشته باشد.

همه دیدیم و دیدند و شرکت داشتیم در آن لیبیک با شکوه و یکبارچه ای که به اولین فرادوم تعیین شکل حکومت گفته شد. روز دوازدهم فروردین سال گذشته بقیه در صفحه ۴

سخن از گذشته های دور و نقل تاریخ و روایات تاریخی نیست. سخن از یک سال و دو سال پیش است. سخن از آن حرکت عظیم و پاشنه و یخدست میلیونها مردم است

## جهان خواره در آستین

### افشین داور

یکی از عقل می لافند، یکی ظلمات می بافند بیاکین داوربها را به پیش داور اندازیم حافظ

به پینید چه آدمهائی فیلسوف وار ملیت و فرهنگ مارا به طاغوتی و غیر آن طبقه بندی میکنند، فعلا زیر لبی و محتاطانه تا سرفروست به جنگ کل آن روند

سال نو آغاز شده است. در آستانه ای سال تازه فرصت آنست که هر کس و هر گروه حسابهایش را برسد و از نکات منفی و زیانبار درس عبرت گرفته به تقویت نکات مثبت و مفید همت گسلرد. از بهترین عکس العملها نسبت به نوروز

## موسیقی ملی در سر اشیب ابتدال

کارگردانان موسیقی «موافق بامذهب» متاسفانه همان کارگردانان رواج مبتذل ترین موسیقی های رژیم گذشته اند که امروز باتکیه بر احزاب و گروههای انحصار طلب همان آهنگهای مبتذل را با اشعار ظاهرا «انقلابی» و «اسلامی» به خورد مردم می دهند و باز دست رد به سینه موسیقی اصیل ایرانی می زنند

عبدالرحیم مکری سرپرست سابق موسیقی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

او باز گردانده شود. حق داشتن هنر اصیل و سنتی موسیقی اوست. افسوس که مسئولان موقت مملکتی از آغاز انقلاب تا کنون در این مورد بسیار مسامحه کرده، غیر مسئولانه عمل نموده و سعی کرده اند اینبار هم همانند قبل از انقلاب با زور و حیل مختلف چهره واقعی این هنر را که زودفشان از روی زمین، از ملیتهای مختلف با مذاهب مختلف، زبانهای مختلف و ایدئولوژیهای مختلف بهیچ قیمتی امکان پذیر نبوده و نخواهد بود بسوی قالبی تصنعی و عوامفریبانه سوقش دهند.

## مردم واقعی و امام جمعه تهران

تله ویزیون جمعه شب نمایش دهنده ی گوشه ای از واقعیات بود و صدای اعتراض آنان را نسبت به برنامه های نوروزی تلویزیون شنیده است که گویا آن برنامه ها هر چه و طاقوتی بوده و نشانی از هر بزرگی داشته است. امام جمعه

انقلاب میداد. همین دادگاه جندی پیش نیز هنرمندانهای دوران قبل از انقلاب را به پای میز محاکمه و «تصحیح» کشاند. مراجع نوییاد مملکتی هم مرتباً فروشنده گان نوارهای صوتی را در شهرهای مختلف تهدید و یا نصیحت می کنند که به راه راست آیند و مرتباً به همه گروههای هنری گوشزد می شود که «آن کارها» ی گذشته را که خلاف اسلام و اخلاق است نکنند. راستی این صفات «صحیح»، «اخلاقی»، «اسلامی» و «انقلابی» چه معنی و بقیه در صفحه ۶

از جمله حقوق مسلم این ملت رنجیده که بایستی پس از انقلاب به

## فرق بین ابتدال و دروغ

مهمترین رکن حیات سیاسی و اجتماعی جامعه سرابا ابتدال باشد و وقتی این ابتدال را با دروغ بفرانند به مردم انتظاراتی پاکیزه و از شر مافک حلاتر بقبولاند چگونه امام جمعه تهران که خود از ارکان حزب حاکم و از ارکان حزب انقلاب و از ارکان دولت انقلابی و از نامزدهای پستار محکم و حسی الانقلاب مجلس آینده و شاید هم رئیس آن میباشد توقع دارد که برنامه های رادیو و تله ویزیون آموزنده و اسلامی باشد. مگر عضویت ایشان در شورای انقلاب و در مجلس خیرگان و در مناصب وزارتی و دولتی و در نامزدی انتظارات مجلس و در سایر چهره های سیاسی مملکت پس از انقلاب اسلامی بود.

## افغانستان: از شورش تا مقاومت

در صفحه آخر

# واهدراز تاریخ...!

بقیه از صفحه اول

سوم مرداد ماه ۱۳۳۷ ادا شد در حالی که این تحفه چند روزی پیش نباید که به قیمت سقوط دولت دکتر مصدق به کمک دستگاه جاسوسی آمریکا و دلارهایی که برای این کار در تهران بکار انداخته بود برای یک دوران طولانی سفاکی و غارت و اختناق به تهران مراجعت کرد غرض از ذکر این خاطره تاریخی این بود که متأسفانه در آن دوران رهبران نهضت از آنچه که در زیر پوشش ظاهری سیاست میگذشت و توطئه‌ها و دسیسه‌هایی که برای نابود کردن نهضت ضد استعماری و ضد استبدادی ایران بدست ارتجاع داخلی و امپریالیزم آمریکا و انگلیس چیده میشد اطلاعی نداشتند.

مسئله مبارزه با امپریالیزم و ارتجاع و طبقه حاکم آنچنان ساده گرفته شد که نهضت ملی ما هرگز به یک سازمان سیاسی متشکل و رهبری فراگیر آگاه برای بررسی راههای مقابله با دسیسه‌های آمریکا و انگلیس و عوامل گوناگون داخلی آن تبدیل نشد؛ تغییر شرایط بین‌المللی نظیر مرگ استالین و پیروزی جمهوریخواهان بر دموکراتها در انتخابات آمریکا که میتوانست زمینه اجرای توطئه کودتا را هموار کند هرگز مورد توجه قرار نگیرد. خستگی و کسالت مردم از بلا تکلیفی و بحران که بر تضعیف روحیه انقلابی و جوش و خروش ضد انگلیسی آنها تأثیر فراوان برجای میگذاشت بحساب نیامد؛ اکنون بازگشت شاه سابق به منطقه خاور میانه پار دیگر خاطره توطئه‌های مداوم امپریالیزم آمریکا را برای نابودی نهضت انقلابی ایران در نیفرن اخیر زنده میکند چه انگیزه‌ای باعث شده است که آمریکا شاه سابق را به خاور میانه باز گرداند؟

در حالی که ظاهراً وجود او در منطقه از نظر منافع امپریالیزم نباید به نتیجه‌ای جز بی ثباتی تر کردن رژیمهای دست نشانده آمریکا منتهی شود؟

شاه سابق پس از عزیمت از ایران میتوانست طبق دعوت انورسادات در مصر اقامت کند اما در آن روزگار شدت فشار انقلاب ایران بر سیاست امپریالیزم آمریکا در منطقه آنچنان بود که آمریکا هرگز صلاح نمیدید که شاه سابق در مصر اقامت کند. زیرا وجود او در مصر در شعاع گسترش و درخشش عظیم انقلاب ایران همه رژیمهای دست نشانده آمریکا را در خاور میانه به خطر می‌انداخت؛ تا حدی که موج عظیم انقلاب ایران منتهی الیه سرزمینهای اسلامی را نیز در گرفت و ترس و سلطان حسن دوم نیز نتوانست برای مدتی طولانی از شاه سابق در مراکش پذیرائی کند. و اکنون پس از یکسال و چندماه که از انقلاب ایران سیری میشود شاه با یک توطئه از پیش ساخته به کمک آمریکا و در چهارچوب یک طرح جنسی آمریکایی و مصری و وهیوینستی و انگلیسی به منطقه خطر باز میگردد و در هسایگی مرزهای ایران ساکن میشود؛ چه عواملی موجب هموار کردن راه این بازگشت که در آغاز بدون تردید هرگز در برنامه فرار شاه سابق از ایران نبود شده است؛ مسئولین امور کشور در گرما گرم انتخاباتی که نتیجه‌اش بخاطر مخالفتها و تقلب‌های فراوان و آشکار هرگز مورد قبول مردم ایران نخواهد بود از توطئه‌های زیر پرده امپریالیزم آمریکا و غرب چه اطلاعی دارند؟

آمادگی ما برای مقابله با این توطئه‌ها برای بسیج مردم و دفاع از انقلاب و جلوگیری از استقرار مجدد

واپسته به امپریالیزم تکیه کردیم اما هرگز در صدد تشکل سیاسی و سازماندهی دفاعی توده‌ها و ایجاد یک مدیریت آگاهانه انقلابی برای ایجاد نظم انقلابی و انگیزه‌های اجتماعی و اقتصادی آن بر نیامدیم. تفاوت عظیم بین نهضت ملی ایران در سی سال قبل با امروز این

وهستی نیروهای انقلابی که خالصانه و مصممانه نظام جمهوری اسلامی را پذیرفته بودند نبود. یعنی اسلام در هیئت انگیزه اعتقادی و انقلاب ظرفیت‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی خود را در برابر ایندولژیهای موجود جهانی و ابزار و وسایل گوناگون نفوذی آنها

نیروهای صمیمی همکاری نمایند. چگونه نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند برسر تحقق چنین اصولی در کنار آنها بایستند و نیروهای خود را بکار اندازند؟

و اگر هدف انقلاب تحقق این اصول و تجسم و تشکل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی اسلام بر اساس نیازها و ضرورت‌های امروز و فردای جامعه است دیگر کوشش و تلاش برای قبضه کردن انحصاری قدرت برای چیست؟ و چه علتی دارد که انحصارگران اسلام را همچون چماق تکفیری بر سر افراد و گروه‌هایی می‌کوبند که خود هدف و خواستی جز تحقق این اصول ندارند.

و مسئله اساسی اینست که برخلاف کوشش انحصارطلبان قدرت اسلام و کیان و هستی اعتقادی اسلام درست بخاطر تحقق بخشیدن به این اصول است که میتوانست هویت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خود را برای مقابله با ایندولژیهای مهاجم روزگار ما بدست آورد و حقانیت و مشروعیت خود را برای اداره سیاسی جامعه و پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مستضیفین ثابت کند. توده‌هایی که سالیان دراز نیرو و ثروت و ثمره کار آنها به قیمت فقر و محرومیت از شرایط انسانی زندگی، به وسیله طاغوت و امپریالیزم غارت شده است با شرایط و مسائل حادی دست پگریبانند. این مسائل و شرایط برای آنها مسائلی ملموس و مورد نیاز است، آنها طالب کار و شرایط مساعد

توده‌هایی که سالیان دراز نیرو و ثروت و ثمره کار آنها به قیمت فقر و محرومیت از شرایط انسانی زندگی به وسیله طاغوت و امپریالیزم غارت شده است، با شرایط و مسائل حادی دست پگریبانند.

است که در آن روزگار حکومت ملی دولت را در دست داشت اما قدرت را در اختیار نداشت.

در آن دوره قدرت یعنی مجلس و ارتش و نیروهای انتظامی باضالفه جناحهای ارتجاعی و مالکین بزرگ در دست شاه سابق و دربار بود اما انقلاب ما این قدرت را واژگون کرد و هم حکومت و هم قدرت بدست رهبران و مسئولین انقلاب افتاد. در آن دوران دولت ملی هم میبایست با امپریالیزم آمریکا و انگلیس مبارزه کند و هم با قدرت دربار و پادشاهی آن در مجلس و هم در نیروهای مسلح و هم در سازمانهای انتظامی. اما انقلاب ما این قدرت را در دست خود گرفت و در میان آنها را با ضربه‌های قاطعانه خود متلاشی کرد و ما پس از انقلاب به کرات نوشتم که باید با تمام قوا

ما در نهضتهای گذشته قدرت سیاسی و مالی توطئه جینی امپریالیسم را دست کم گرفتیم و برای ترمیم ضعفهای خود و آمادگی سراسری برای مقابله با توطئه‌ها از هیچ وسیله مثبت و مساعدی که در اختیار داشتیم استفاده نکردیم.

این چنین زمینه‌های مشترکی که انقلاب ما را به ثمر رساند آیا پس از انقلاب رو به رشد و تقویت نهاد یا به ضعف و فتور کشیده شد؟

ما از روزهای نخستین پس از پیروزی انقلاب به کرات مسائل ضروری تداوم انقلابی را گوشزد کردیم و عاقبت و سرنویشت نهضت‌های گذشته ملی را یاد آوری کردیم و گفتیم که مسئولیت عظیم کنونی ما بررسی علمی شکست‌های گذشته برای حفظ پیروزی انقلاب است. زیرا امپریالیزم یک لحظه نیز فرصت‌های مناسب را برای اجرای توطئه‌های تازه علیه انقلاب ما از دست نمیدهد. ما نوشتم که منابع سوخت و انرژی ما

این ما هستیم که باید در زمینه یک اتحاد آگاهانه نیروهای انقلابی و در چارچوب یک برنامه قاطع اقتصادی و اجتماعی پلهای وابستگی و اسارت با امپریالیسم آمریکا را برای همیشه خراب کنیم.

و موقعیت جغرافیای سیاسی ایران و بازارهای اقتصادی و تجارتی ما همچنان مورد نیاز حیاتی امپریالیزم آمریکا و غرب است. و بنابراین آنها هرگز ما را بی‌حال خود رها نخواهند کرد. عکس العمل امپریالیزم در برابر انقلاب ایران بستگی به عمل ما در برخورد با مسائل اجتماعی و اقتصادی ایران دارد. این ما هستیم که باید در زمینه یک اتحاد آگاهانه نیروهای انقلابی و در چارچوب یک برنامه قاطع اقتصادی و اجتماعی پل‌های وابستگی و اسارت با امپریالیزم آمریکا و غرب را برای همیشه خراب کنیم و کلیه راههای نفوذی توطئه دسیسه امپریالیزم را بروی انقلاب ایران سدود نتوانیم. انقلاب میبایست با ایجاد انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی بنیه دفاعی توده‌ها را در برابر هجوم توطئه‌های امپریالیزم و عوامل وابسته داخلی آن تقویت کند. ما در نهضت‌های گذشته جنبی سیاسی و مالی توطئه‌ها را در دست کم گرفتیم و برای ترمیم ضعف‌های خود آمادگی سراسری برای مقابله با توطئه‌ها از هیچ وسیله مثبت و مساعدی که در اختیار داشتیم استفاده نکردیم. و بیشتر بر فشار احساسات توده‌ها و تازهایاتی آنها از رژیم استبدادی

انها از صحنه سیاست ایران باقی ماندند. حکم قرآن است که اراده خداوندی بر اینست که مستضعفین سرنوشت و حکومت بر خود را در دست بگیرند. بنابراین حکم روشن و صریح اسلام دارای آنچنان محتسبای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است که مستضعفین یعنی ستمدیدگان و استثمار شونده‌گان باید از شرایط محرومیت و ستم‌دیدی و استثمار زده‌گی رها شوند. به عدالت اقتصادی برسند. ثمره کارشان بدست خودشان برسد. از حکومت و حاکمیت اقلیت حاکم و صاحبان شرایط ممتاز اجتماعی و اقتصادی رها شوند. جامعه به تقوای معنوی و اخلاقی برسد یعنی از فساد و تجمل و اسراف و عیاشی و لذتهای زینت‌باز مادی و معنوی خلاص شود. علل اجتماعی و اقتصادی تمرکز قدرت و فساد ناشی از این تمرکز در دست گروه خاص و سازمانهایی که در شکل‌گرفته‌های خود به سوی این تمرکز گرایش دارند.

از ریشه ناپدید شود. خوب اگر اسلام در چنین زمینه‌ای مطرح شود و حکومت سیاسی اسلامی با چنین محتوایی عرضه گردد در اینصورت این مسئله پیش می‌آید که وجه اختلاف بر سر جمهوری اسلامی چیست؟ افراد و گروه‌هایی که در سالهای طولانی طاغوتی در راه مبارزه با فساد و ظلم و وابستگی استعماری رژیم طاغوتی بودند و در هنگام انقلاب فاصله در میدان مبارزه با رژیم فاسد گذشته شرکت کردند چگونه میتوانستند با چنین محتوایی مخالف باشند؟ و اصولاً این محتوا چه اخلاقی با خواست‌ها و هدفهای آنها دارد و چگونه نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند برسر چنین محتوایی با سایر افراد و

آنچه ما می‌بینیم اینست که در خارج از مرزهای ما امپریالیزم در کار تدارک توطئه تازه‌ای برای نابودی انقلاب ایران است و این امپریالیزم به اندازه کافی مواد لازم توطئه را از شیوه حکومت انحصارگران بر انقلاب ایران بدست آورده است.

آموزش و مسکن و شرایط خلاق فراغت و شرایط مناسب بهداشت و درمان و خروان امنیت اجتماعی و محیط سالم معنوی هستند. جامعه برای رشد و توسعه سالم احتیاج به کار و تولید و آشنائی به علوم و فرهنگ و فنون و هنرهای خلاق برخاسته از ذخایر معنوی و مادی خود و همچنین گنجینه‌های فرهنگی بشری دارد بدون رهائی کامل از وابستگی اقتصادی و نظامی و سیاسی و فرهنگی امپریالیزم تدارک این شرایط امکان پذیر نیست و بدون وجود یک سازمان انقلابی سیاسی متکی به نیروهای زحمتکش و مردم فکری و پدیی جامعه به این شرایط نمیتوان رسید. نیروی توده‌های زحمتکش بدون شرکت و نظارت در قدرت به آگاهی و شعور سیاسی و اجتماعی نمی‌رسد تنها وجود یک قانون اساسی که در آن حقوق اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مردم پیش بینی شده باشد کافی برای تضمین شرکت مردم در قدرت و تعیین آگاهی کافی برای توده‌های مستضعف در جهت دفاع از مصالح خود نمی‌باشد. اعمال قدرت بصورت پدرسالاری و مرید و سرفری همیشه توده‌ها را از رسیدن به آگاهی‌ها و رشد سیاسی و اجتماعی محروم می‌کند. کلیسای صدها سال این نقش را برای حفظ سلطه خود و جلوگیری از بیداری توده‌ها بازی کرده‌اند. سرانجام در برابر فشار ناشی از ضرورت‌های حیاتی شرایط اجتماعی و اقتصادی با نیازها و خواست‌های توده‌ها این سلطه ناپدید شد. رژیم شاه سابق می‌خواست برای قدرت طاغوتی خود در افکار توده‌ها یک زمینه خدائی لایتفرز از سلطنت پنهان مشی‌الهی بسازد اما فساد

بوجود آمد؛ و مصادیق و ضوابط اعتقادی و تجربی این خط چپیت و ضرورت ایجاد آن و منافع آن برای انقلاب ایران چه بود؟ مسئله اینست که جواب آن تاکنون چیزی جز فحش و هتاک و ناسزا گوئی و تمهت و افترا نبوده است؟ آنچه ما می‌بینیم اینست که در خارج از مرزهای ما امپریالیزم در کار تدارک توطئه تازه‌ای برای نابودی انقلاب ایران است؛ و امپریالیزم به اندازه کافی مواد لازم توطئه را از شیوه حکومت انحصارگران بر انقلاب ایران بدست آورده است. ایران چه در منطقه و چه در سیاست بین‌المللی منزوی شده است ادامه فشار دائمی کاترنهای قدرت بر نهادهای انقلابی همچنان شکل گیری نظام مستقر و قانونی کشور را فلج کرده است. و متأسفانه اساسی ترین نقطه بحرانی کنونی انقلاب ما اینست که این شکل گیری نظام مستقر با زیر پا گذاشتن اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی و از طریق اعمال فشار و خشونت و تقلب سراسری و بیت‌آورد در انتخابات صورت می‌گیرد. با چه وسایلی بهتر از فشار و خشونت و تمهت میتوان نیروهای جامعه را به تفرقه و دشمنی کشاند؛ و نظامی که با اعمال تقلب و فشار و خشونت مستقر شود چه محتوایی جز استبداد و خشونت و فساد و در نتیجه وابستگی جبری به امپریالیزم خواهد داشت. نظامی که به اعتباری خود می‌خواهد نه شرعی باشد نه غربی با اعمال تقلب در انتخابات و طرد نیروهای انقلابی از طریق تمهت و تکلیف و ایجاد تفرقه و جدائی بین مردم و قرار دادن آنها در



تحقق این منظور بی گمان محتاج داشتن نیت صاف و بری بودن از مقاصد و اغراض خاص است. چه در حیات شخصی و چه در پهنی زندگی اجتماعی. دارا بودن نیت سوه، فرصت طلبی، و دست ازین به اعمال زشت برای رسیدن به اغراض دنیوی و غیرملی، بی تردید عناصر اصلی عرضه داشتن ترانزانی مثبت را مضموم می کنند. پس، روی سخن با آنهاست که واجد حسن نیت و قصد خدمت هستند. با آنها که فاقد این صفاتند نمی توان به گفتگو نشست که همواره ملر در آستین دارند و به هر قیمت نمی گذارند موجبات تفاهم و پیشرفت ملی فراهم گردد. با آنکس که کیسه اندوخته است چطور می توان به توافق رسید. با آنکس که جاه طلبی و دنیا داری به هر کار نادرست و حقه زنی زشت متمایل می کند چطور می توان از دو دوستی وارد شد. یا با آنکس که اساس تور را قبول ندارد و معیارش در سنجش هر فعل و انفعال اجتماعی «مصلحت» ارباب پرگتری است چگونه می توان انتظار سازش و هسانی داشت.

نیروهای اجتماعی ترقیخواه و آنها که خیر و صلاح این ملت - و نه دیگران - برایشان اولویت دارد ناگزیر باید در شناسایی هم راهان خود به یک «انتخاب» دست زنند. پدیدهی است که انتخاب سختی است، تردید و نگرانی دارد، گاه به تارهای عواطف و احساسات برخورد می نماید. و مردی و شجاعت در تصمیم گیری می طلبد. اما چاره چیست، اجبازا باید معیارهایی مشخص کرد و سمن و یاسمن را در ترازوی سنجش گذاشت.

معیارهایی که در این حوزه با معنا توانند بود از جمله عبارتند از: شوق ترقی خواهی، هدف پیشرفت ملی، و حسن تشخیص در امکانات بالقوه و بالفعل. به این ترتیب، آنها که برای جاه و مال شخصی «برنامه ها» دارند و همه چیز را در این قالب تنگ و نفرت انگیز می نگرند و حتی از دین شریعت الهی به عنوان مستسکی برای نیل به اغراض فردی سوه استفاده می کنند خود به خود از دایره بیرون می شوند. با اینها که از تیمار سوابل، اعم از روزنامه و رادیو و تله ویزویون و جهاد سازندگی و پول ستمین و سهم امام، مغرضانه بهره برداری می کنند مبارزه ی کوبنده شرط انصاف است. دستکاری در انتخابات، زندانی کردن و شکنجه دادن، آلوده ساختن بی جهت افراد و توطئه و تحریک، بسبب اندازی و آتش زنی که سهل است، اینان هر زشتکاری دیگری هم که باشد می کنند تا به مراد دل برسند. انکار نه انکار که مذهبشان می گوید دنیایی است و اختری و در هر دو مشقت کوبندهی انسانیت و عدالت دیر را زود بر فرق آنها فرو خواهد شد. چای می گفت: دولت دین جو روی بنامید پشت بر کائنات فرماید اینها غافل از آنند که کائنات حسب و کتابی عمیقتر از خوانها و کیسه انانوزیهای شخصی دارد که پشت کردن خیرانه نظم آن را برهم زند.

اجماعی دیگر نیز به سرعت باید از دایره بیرون انداخته شوند و این افرادی هستند که در کسوت الهی - تشبه مذبحخانه به آن - دنیا را از دریچه ی قرون و انحصار قبیل نگرسته و اندوخته می گیرند. مدلی که اینها در سر دارند بی گمان نابوه گفته است، زیرا که هر زمان فرهنگ و اسباب خاص خود را دارد عدالت علی را نمی توان از مغزهای مرتجعی ترقی داشت که نه سلامت نفس و نه

روشن بینی و بی نظری علی را دارند. اینان قانون و تفسیر و اجرای آن را منظور می خوانند که دیده کوته پیشان اقتضای می کند، و دنیا را منظور می خواهند بسازند که صد رشکینشان نامرغای ما شود! خقه پوشی من از غایت دینداری نیست برده ای بر سر صد عیب نهان می پوشم! آگاهی نیز که مملکت ما را منظور می خوانند که «ارباب بزرگ» مصلحت می داند و تاکتیکی اجتماعی و سیاسی را تا سطح مذبحخانه ترین نیرنگها تنزل داده اند چنان در دایره ی ملت ما نندارند. واقعا چه کسی دیگر اینها را پاور دارد؟ آن پوستر انتخاباتیشان را دیده اید که می گوید انتخاب نامرغای ما تداوم و استحکام خط امام است؟ چه کسی را می خواهند رنگ کنند؟ خط امام و مابقیالیست هستند. رهنمود امام نه شرق و نه غرب است. آنها فقط هیستری ضد غرب دارند، آنها به میزانی که خود اربساب را هم نمی زبید!

واقعا تاکتیکی که معنای نیرنگ یعنی چه؟ درست در عباراتشان دقت کرده اید که چگونه خط امام را تفسیر می کنند. هدفهای روشن رهبر ملت را تحریف می کنند، آنها با زیرکی خاصی که چا برای دیده ای آتی محفوظ باشد! ملت ایران این دغل بازیها را کهنه کرده است و خوب می داند آنها تا وقتی در خط امام هستند که زورشان تجرید و همین که از این جهانخواه نوبت آن یکی رسید دور تعبیرات دیگر و پیکری خط موسوم (لجن مالی و اتهام زنی) فرا خواهد رسید، چنانکه ظاهرا راجع به بعضی افراد و گروهها رسیده است. نگران نباشید، نه قضیه ی افغانستان تمام شده و نه فروش گاز به قیمت ارزان به روسیه هنوز پایان گرفته است. ترفندهای دیرین را باز شاهد خواهیم بود.

به این ترتیب، در دایره ی ملت آنها باقی می ماند که ترقیخواه هستند و ملت خواه، شرط بلاغ است که اینان امکانات بالقوه و بالفعل را درست ارزیابی کنند، که از قدیم گفته اند از محال بکنند و دنبال ممکن برو. به عبارت دیگر، ترقیخواهی و ملت خواهی باید در هدگیریهای سنجیده تعریف شوند که معنای مشخص یابند و هم راهنمائی باشند بر برنامه ها و عملیات. بسیاری از ارمانها هم معطوف ترقی هستند و هم صلاح ملک و ملت را در بر دارند. اما ممکن است تحقق بالفعل آنها میسر نباشد. شرط عقل است که شخص در دامهای موزیانه نیفتد و آن راهی را تعقیب کند که بالفعل ضامن شرایط بهتری است و امکانات بالقوه ی بعدی را نیز نابود نمی سازد.

جنگاوران انقلابی الجزایر چه کردند؟ آنها، بعد از رسیدن به قدرت، بالکل حال و امکانات بالفعل را فدای آینده ی فرضی و غیر محتمل و اوسمانهای خیالی ساختند حتی کاسترو، قبل از آنکه خونخواری و طمع آن جهانخواه تمام فرهارا بر او ببندد چه کرد اولین سفر بعد از پیروزی او به آمریکا هیچ معناتی ندارد! فرخورد و مبارزه ی او با حزب کمونیست قلی کویا تجربه ای است که باید به سادگی از آن گذشت؛ قین را چه می گویند آیا هم نبود که مستوردهای انقلاب را از مرضی چه روی و زیلت طلبی در خطر می دید و بعد از پیروزی رساله ها نوشت که گاهی ظاهرا با نوشته های قلیش متضاد می نماید! ولو و رسم درخشان

انقلابیون نیکاراکا در برخورد با مسائل اجتماعی و نیروهای سیاسی کشورشان - که چند ماه قبل مختصری راجع به آن گفتیم (جنبش، دوازدهم آذر ۵۸) - به همین زودی باید از نظرها محو شود تازه تر از همه، به بنیادهای سبیه برزنگی در زمینه های چه می کند. چرا بعد از هفت سال جنگ شجاعانه ی چریکی و چند بار سوبقد به جانس در همین یکی دو ماهی اخیر که به کشورش مراجعت کرده بود، به مجری که اکثریت قاطع را در انتخابات می برد اعلام می کند که گذشته ها گذشته است. اینک باید متکی به تمام نیروها جامعه را ساخت کورکورانه نیست. چرا که در کاپیتالیسم از سفیدان دعوت می کند چرا با شجاعت می گوید همیشه مارکسیست بوده است و خواهد بود، اما تجربه ی مواز امیک به او آموخته است که سوسیالیسم را نمی توان عجولانه در جامعه ای پیاده کرد. امیدوارم کسی در مقام آن نباشد که بگوید خون ما از آنها رنگین تر است و جهان و جامعه و مسائل آن را بهتر از مبارزان اصیل دیگر درک می کنیم. مسلما احتمال دارد این مبارزان در کار خود موقف نشوند و توطئه هایی که مصلوق و البته نابود کرد و میراث ناصر را به باد داد آنها را نیز قدا سازد. اما، مسلما واقع بینی و شجاعت در برخورد با مسائل سیاسی و اقتصادی و شهامت تصمیم گیری در ساختن جامعه ای بهتر را باید از آنها آموخت. شکست

احتمالی آنها - که اگر کساکان شجاعانه و واقع بینانه عمل کنند امکانش کم و کمتر خواهد شد - دلیل غلط بودن راه آنها نیست و همان مفسدین و مفرهین را نباید به خرد گیری باز کند. که هنوز هیچ نشده چون مرگابه در خط شوروی نبوده و بیشتر متمایل به چین بوده است. مقدمات ایرادگیری و تصفیه حساب را دارند فراهم می کنند!

دروس بزرگی که باید بیاموزیم، شجاعت در جدانشدن از مواضع نظری قالبی و «از پیش ساخته شده» است و ضرورت توجه به واقعات و امکانات عینی جامعه اگر دیگران واقعا به حداقل های یا معناتی قائل می شوند، چرا ما نتوانیم ساختن جامعه ای نورا بر پایه ی تفاهم و وحدت نیروهای ملی در چارچوب حداقل هایی قابل حصول آسان سازیم. ارائه ی برنامه های «حداقل» - که با وجود داشتن زمینه ها و امکانات بیشتر هنوز پیشروان آن نیز به گردش نرسیده اند - واقعا چه معنای ملموسی دارد. اگر اینها هدفهای حداقل هستند پس حداکثرهای قابل تحق و غیر خیالی چیستند؟

جزمت و دیکتاتوری ایندولوزیک، به همان اندازه ی دیگر قسرت گرانیها و خودکامگیها، نادرستند اگر که او هم «بهرال» - سازشکار نیست، بیکار دیگر به ببینید که «ماربو وارگاس لوسا» نویسنده ی برجسته ی پروسی چه می گوید (جنبش، شماره ۷۹) ...

مبارزه پردازند... در پاسخ سنوالی دیگر راجع به دانشگاهها: «دانشگاه به صورت یک مرکز فرهنگ دیگر وجود ندارد. بلکه به صورت یک مرکز بی فرهنگی و تلاقی گاه دکامیتسم و خرافه پرستی درآمده است. یک محیط ارباب است و بس... و این برای کشوری که... آزادی همواره مورد تهدید قرار داد بسیار خطرناک است.»

حالا عصر دیکتاتوری های ایندولوزیک است... آنها این شیوه ی حکومت را از رژیم های توتالیتر و خودکامه ی چپ یاد گرفته اند و این بسیار بسیار خطرناک است...

دیگران باشد. امیدوارم در سال نو آنطور مقفولانه بندیشیم که ترانزانی فیکر و عمل ما در سال بعد موفقیت آمیز باشد. بیادیم که با اوضاع کنونی چه بسا که کشوری و دولتی باقی نماند که ترانزانی خود را بتوانیم نزد ملتمان عرضه کنیم. چه اصراری به دعوت چکمه پوشان داریم؟ چرا از فرصت های تاریخی نادر عاقلانه بهره نمی گیریم.

اگر جهانخواه در آستین ما هم بود، چه تلقین می کرد بیچاره و تفریط فدا کردن معنا به لفظ دامن زدن به جنگ هفتاد و دو ملت، پیشگیری از احیای صنعت و کشاورزی، گسترش بیکاری، افزایش تورم، جلوگیری از استقرار دولت و قانون، کنار زدن متخصصین، تضعیف ملیت و فرهنگ ملی، و تجدید «اتحاد» نامقدس توده - نفتی ها چه چیز دیگری می توانست هدف او باشد. اگر ما خود چنین کنیم به که خدمت کرده ایم؟ یک توضیح لازم حسن مقاله ی بنده در شماره ی قبل جنبش، آنجا که به نقل از مؤلف قابوس نامه مطالبی در صفت علمای دین آمده بود، به علت اشتباه چاپی، صنعت علمای دین درج شده بود که واقعا جای پوزش دارد. چه علمای واقعی، مظهر صفات خوب هستند، صنعت و ترفند از آن کسانی است که در لباس دین آن کار دیگر می کنند!

باستانی و نوشدن سال و گذشتن یک سال از نظام جمهوری اسلامی که به آن رای داده ایم، یک پیام و یک فرمان رهبر انقلاب را پیش رو داریم. میران و مفسران و اهل تعبیر و تفسیر سرگرم کار شده اند و در محافل و مجالس و از پشت بوته های تبلیغاتی که به خرج بیت المال مردم در اختیار گرفته اند مشغول تعبیر و تفسیر شده اند تا بیهانه های دیگر برای پورشهای بعدی و کوفتن چساق تکفیرها بر سر مردم بپست آورند و تبهوزات خود را به آزادی مردمی که برای بدست آوردن آن انقلاب کرده اند توجیه کنند. تفسیری اساسی و واقع بینانه از حقایق کلام این پیام و فرمان از نظر ما بماند برای بعضی دیگر که: این سخن بگذار تا وقت دیگر.

اما فرصت طلبی و قدرت طلبی کاذب و سالوس و ریا و عوامفریبی مفسران و تویل کنندگان بنام دین و مذهب چیزی نیست که مردم ما از سابقه ی تاریخی آن بی اطلاع باشند چند روز است که گویندگان دستگاه حاکم به تعبیر و تویل پیام و فرمان امام اقتاده اند و باید منتظر عواطف عملی آن بود. اما فراوان داستانها و امثال سازه و روایات از این نوع دورانه ها و عارضه ها داشته ایم. شیخ عطار در تذکره الاولیاء از زبان ابومحمد جری می نویسد:

در قرن سوم معاملت به مروت کردند، چون برفتند مروت هم نماند، در قرن دیگر معاملت به جا کردند، چون برفتند حیاهم نماند، واکنون چنان شده اند که معاملت خود به هیت و هیت کنند»

محمد غزالی دانشمند بزرگ اسلامی می نویسد:

داه روز کار به چنانی رسیده است که سخنانی می شنوم که اگر در خراب دیدمی، گفتنی که اسفات و احلام است. مرا از تفسیر نیشابور و طوس معاف فارسی تا به زلوه ی سلامت خورش رویع که این روزگار بی سواد و سرمایه های جز ایمان و اعتقاد و ایمانگی بزی که گویند فداکاری ندارند چه کسانی باید تعبیر دهند! و این مدیران جامعه که یار ستورگیت را به دوش دارند به نسل آینده چه جواب خواهند داد؟ وحشت افتاد و عنان زبان و قلم خود و امروز به مناسبت نوروز

یک سال پس از

بقیه از صفحه اول

مهرهای باطله و بر سر روی عارف و ساخته اند و به این وسیله گمان عامی میزند و به ضعف مدیریت و سایر داورند که ضعف مدیریت و سایر ضحطهای خود را می توانند پنهان کنند.

روزنامه های سال گذشته را ورق بزنید - ما این کار را کرده ایم و به مناسبت کمبود جا، زمین گذاشتیم و گوشه ای از آن را هفته ی آینده به چشم شما خواهیم کشید - ملاحظه کنید که چگونه در یک سال گذشته مبارزه با بسوادگی، مبارزه با فحشاء، اصلاحات ارضی، بهبود کشاورزی، خودکفائی اقتصادی و کشاورزی تاشین مسکن و خانه برای عجم و ده ها برنامه ی دیگر را بر روی کاغذ و در تن شماره ها انجام دادند و تمام شد.

و حالا گناه تمام ندانم کاریها را به گردن ضد انقلاب خیالی انداخته اند و یون کیبوت وار سرگرم مبارزه با آسیاهای باغی هستند به گمان اینکه غولهای افسانه ای را از میان بردارند.

در این انتخاباتی که تا کنون روی انتخابات محمد علی خانی را سفید کرده است و آخرین بقایای اعتماد مردم را به صداقت کارگران دستگاه حاکم زوده است نگاه کنید که هر کجا و در هر شهر و شهرستانی که حکام شرع کاندیدی نمایندگی مجلس شدند چگونه مردم با آنان رو برو شدند و هر کجا که پای رای به میان آمد چگونه رای دادند و چگونه خوانده شد و عکس العملش در مردم چه بود!

باز هم به نتیجه ای می رسیم که باید از زبان آقای امید خبونی تکرار کنیم که ما هنوز در نظام شفاشما زندگی می کنیم اما اساس این نظام را، معیارها و ضوابط این نظام را در سلامت خورش رویع که این روزگار بی سواد و سرمایه های جز ایمان و اعتقاد و ایمانگی بزی که گویند فداکاری ندارند چه کسانی باید تعبیر دهند! و این مدیران جامعه که یار ستورگیت را به دوش دارند به نسل آینده چه جواب خواهند داد؟ وحشت افتاد و عنان زبان و قلم خود

بگرفت و به عزم حج از شهرنیشابور پروان رفت و پس از آنکه از کعبه باز آمد، در کتمان اسرار خویش اصرار ورزید و ظواهر شرع را مراعات میکرد

ناصر خسرو در زادالساقرین در باب فقیهان تاریخ اندیش می نویسد:

مهرهوها را به هوای خویش، ریاست جویان اندودین استخراج کرده، مردانایان را به علم حقایق و بینندگان را به چشم بهانه و جویندگان جوهر پاهی و ثابت را از جوهر قاتی و مستحیل، ملحد، بدین و قمرطی نام نهادند

این همان سالوسی است که حافظ را وامیدارد تا به کبک خوشخرام گوشزد کند که: غافل مشو که گر بهی عابد نماز کرد

امروز نیز چنانی تکفیر بلند شده است ولی به قول هگل تاریخ تکرار میشود، اما بزرگ اول اگر چنی است، تکرار آن صورت مسخری اصل است.

حقان تکفیر بلند شده است، انتقالی و بی دین و خدانشناس و ملحد و منافع مهرهای باطله های هستند که دوباره بر سر زبانها افتاده اند ولی امیدوار باشیم که مردم، همین مردمی که دوران ستمشالی پیش از هفتاد در صد آنان را در تاریکی سوادگی نگاهداشت، راه خود را خواهند یافت و امید آینده به جوانان و نوجوانان است که هر روز مصمم تر و هر روز آگاهتر از روز پیش حرکت اصیل انقلاب را تداوم میبخشد.

جنبش صاحب امتیاز: مجریه (کبان) کانون زبان سرپرست: اسلام کاشمیر مدیر مسئول: جواد پرور کحل جلی قاره خلیجان فرست شماره ۸۵۵ تلفن ۹۷۷۸۸

منوچهر مسعودی  
وکیل دادگستری

# اعتراض به انتخابات

جناب آقای دکتر ابوالحسن بنی صدر  
رئیس جمهور برگزیده ملت ایران

با درود فراوان و باطلاع میرساند:  
انجام انتخابات با تخلفات عدیده ای که  
شکل گرفته است در خور یک حکومت  
انقلابی که باید با تفکرات اسلامی همراه  
باشد نبوده است.  
ارائه لیست ائتلاف بزرگ که با  
امضای رهبر انقلاب امام خمینی  
یافته بود در روز یکشنبه تلویزیون  
شده و مشاهده و پخش آگهی و عکس و  
پوستر در محوطه حوزه های رای گیری  
نمونه بزرگ توطئه علیه آزادی اراده افراد  
در جامعه بوده و موید اعمال نفوذ حزب  
جمهوری اسلامی و کمپنه ها و اشخاص

## توبه زندان برای مارتی

توبه زندان برای مارتی  
گریه از سرگذشت تارتی!  
تو برای رهاندن مظلوم  
اندین ورطه بلا رفتی!  
دشمنت محفل طرب آراست  
خود بدان مجلس عزایت رفتی!  
ای فدای تو صد هزاران تن  
از چه تنها به کربلا رفتی!  
معرفت یافتی در آن عرفات  
که بدین قصد تا منی رفتی!  
کی تو غافل از بینوای گشتی  
یا کجا جز ره صفایت رفتی  
هر کجا ناتوان و بیماری  
بود جویان پی دوات رفتی  
از خدای آمی بیرون چون نور  
باز چون نور تا خدا رفتی!  
مهدی فولادوند

## دکتر شریعتی و جمهوری اسلامی

در صفحه اول روزنامه جمهوری اسلامی روز شنبه نهم فروردین مطلبی چاپ شده بود و در صدر مقاله با حروف درشت امضای معلم شهید دکتر علی شریعتی را نوشته بودند.  
این چه رمزی است که دوباره روزنامه و حزب جمهوری اسلامی به یاد دکتر شریعتی افتاده و از او به عنوان معلم شهید یاد می کند و مطلب و مقاله نقل می کند؟ این همان حزب جمهوری اسلامی است که نهمین مرتبه به مرحوم دکتر شریعتی عملاً از شروع پیروزی انقلاب تلخ است. این همان حزب است که رهبران آن حتی به نفوذ کلام چنانچه دکتر شریعتی هم چسبیده است و کتابهای او را از مساجد جمع می کند و چلد کتابهای او را در تلوویزیون به عنوان سند جرم متهمین به مردم نشان می دهند و او را هوادارانی را انتقادی و کمونیست می خوانند.  
اما آنچه می بینیم و می شنویم، خام دکتر شریعتی با گوش شایبه روزی به کار فرهنگی پرداخته و در جنوب شهر و محله های پرجمعیت مدرسه تاسیس کرده است تا مبارزه علیه بی سواری کند اما این مسلمانان تازه به دوران رسیده و انحصار طلب چگونه پیش پای او سنگ می اندازند و به توده ی مردم ساده او را و مرحوم دکتر شریعتی شورش را کمونیست و لادین مبعول می کنند و هر چه راه به این خام در راه کار خیریه و اسلامی و فرهنگی تنگ کرده اند.  
گویی جمهوری اسلامی با ترکیزی هائی که کرده و روحیه ای که علیه خود در میان مردم ایجاد کرده احساس انزوا می کند که دوباره بازگشت کرده و اظهار به هوادارانی نقل قول از دکتر شریعتی می کند ولی ظاهراً نمی داند که زندیگان و هواداران و هزاران فرز جویان را که با گوشش مرحوم شریعتی به اسلام لوری آوردهند صایون این جمهوری اسلامی به تشنه خوره است و فریب این ظاهر سازها را نخرانند خرد.

## مردم واقعی و امام جمعه تهران

### بقیه از صفحه اول

تلویزیون بلافاصله پس از این گفتار به میان مردم رفتند به میان مردمی که پاهان دل در حرکت عظیم انقلاب شرکت داشته اند. به میان مردم میدان شوش و زانه نشینان و آونگ نشینان و مردم قهبری که دستگار چادر پهلوی آنان را به خاک سپردند. است. به میان جوانان و جوانانی نوجوانانی در کوچه های پر از خاک و گل و دین می لرزد و از انقلاب و حاصل انقلاب کترین در همین حال قابل لمس ترین ترقیات را دارند.  
بیتدگان و شورشگران تلویزیون دیدند که این مردم احم لزوزن و مرد و جوان و پیر چه با روشن بینی تمام احتیاجات خود انتظارات ملای و صحنی خود را دارند. چه با بلاغت تمام قافیه به بازگو کردن آن هستند مردمی که هنوز دریاوز انقلابی خود باقی مانده اند ولی متعجبند که چرا در روزی تنگ زندگی آنان انگری از مسافرهائی مملوس انقلاب دیده نمی شود مردمی که هر یک برس و جوی

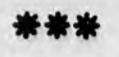
در اخبار امسال حضرات نگذارند ژمنر نماز جمعه چگونه می توان علیه آنان استفاده کرد و تفکر عمومی ساخت.  
ماه کم و کیف پندیمی تلویزیون در این مختصر کاری نداریم و نظر خود را نسبت به کم و کاستی ها و شیوه های استفاده از این دستگاه عظیم و پرخرج و مؤثر در راه تعلیم و تربیت توده ها و آگاهی دادن به آنان و بطور کلی دوره ایجاد یک درک و شعور انقلابی به کرات نوشته ایم و باخروایم نوشته اما مسأله اینست که گردانندگان تلویزیون چون خودشان هدف انعام واقع شده بودند برای نشان دادن گوشه ای از واقعیت سنگ تمام گذاشتند و یک برنامه ای زنده در خور لیاقت و کارود تلویزیون نشان دادند که ای کاش در همین زمینه وقتی میگردان نیز به وسیله این دستگاه تبلیغاتی هدف حله واقع می شوند گردانندگان تلویزیون در نشان دادن حقایق همینطور عمل کنند که در مورد حله به خوششان کردند و دیگران را نیز مثل خود ببینند و بینکارند.  
امام جمعه تهران گفت طبیعت مختلف مردم نسبت به برنامه های تری تلویزیون فرایم عید اعتراضات خود را به ایشان ابراز کرده اند اما تهیه کنندگان

# خبر

## دو شماراز: جواد کبیر

# شاید بهار باشد

تقویم راستین را  
دست زمان ورق زد  
تقویم کاغذین را  
از یاد - پادها برد



آمد  
ولی نپایید  
رگبار فصل آغاز



بر شاخه های حسرت  
چشم جوانه خفته ست  
از دیگران بپرسید  
شاید

بهار باشد.

# راه بندان

صاحب تأویل باطل چون مگر  
وهم او بول خر و تصویر خس  
مولانا

تا چقدر زهر درد فرو خوردن؟  
دندان خشم را بر استین شوق فشردن؟  
ظاهر صلاح جمع درون کافر!  
این چهره دوگانه اگر خلق ساده را  
تا یک زمان بخود بفریبد  
در پیشگاه حضرت باری چه میکند؟  
تاوان گذار خون شهیدان!  
کشتید آن عزیز عزیزان را  
تنها ترین سالله باکان نیز  
در آستانه تودیع است  
اما شما گروه زبان باز  
امروز در نهایت خونسردی  
گرفن گرفته آید پذیرا  
نفرین نسلهای گرفتار بعد را  
آیات حق تعالی، تنها  
خورشید و ماه نیست  
آب و گیاه نیست  
فریاد اعتراض خلاق نیز  
بارز ترین نمونه آیاتست  
تأویل ناصاب شمایان خلاف آن  
پر خلق راه نشوونما بستن  
آزادگان اسیر نشستن  
بر هر که با خلوص ز حق دم زد  
باران زخم تهمت و تکفیر.  
دنیای هولناک غریبی است...  
ما را بخویش و آبگذارد  
دیگر مجال سازش نیست  
در راه عشق گر چه خطر در کمین ماست  
غیر از شما، هدایت بی منت از خداست  
ای مشت بسته، چند نهان در جیب؟  
ای خون تفته چند بسرداب صبر اسیر؟  
خرد کامگان بخویش نمی آیند

نخواهد داشت. لذا به منظور جلوگیری از کلیه اعمال نفوذ ها و سد ابواب توطئه و مقابله با هر گونه اقدام غیر مردمی انتخابات را باطل کنید.  
مسلمانان داشتن یک مجلس آزاد اگر چه فقدان حاکمیت ملی را بدنبال دارد ولی بهتر از داشتن یک مجلس غیر مردمی است که چهره آن از هم اکنون وحشتناک و مرعوب کننده و خفقان آور است.  
جناب رئیس جمهور  
با ابطال انتخابات نشان دهید که همواره و در هر شرایط با مردم هستید و از هر گونه سوء نظر و توطئه و انحصار طلبی جلوگیری می کنید و برای اعتقادات و اقوال خود که همان آزادی و استقلال ایران است ارزش و احترام قائلید.  
سپس برای نجات کشور از بن بست های فعلی از رهبر انقلاب امام خمینی درخواست نمائید شورای انقلاب را منحل نمائید و خود با تشکیل دولت قوی متخصص و مدیر و معتقد سکان این کشتی توان زده به گل نشسته را در دست گیرید و بوسیله تصویب نامه کشور را از تنگنای کثرتی رهائی بخشید و محیط مساعد و مناسبی را ظرف دو ماه برای یک انتخابات سالم ایران ساز فراهم نمائید و اولین برنامه کار دولت را انتخابات و تهیه و تنظیم آئین نامه مردمی که مفهوم عدالت آن شرکت فعال همه مردم را فراهم ساخته و از تمامی گروهها و سازمانهای سیاسی و اشخاص صاحب نظر بخواهید که در ایجاد این محیط سرنوشت ساز همگامی داشته و انتخابات با مستوریت و نظارت آنان انجام گیرد.

مانطوریکه بارها بیان داشته اید وجود مواضع قدرت در کشور باعث ناسامانی شده است و محل تجلی اراده قدرتهای بزرگ شوی انقلاب بوده است که با رفتار خردسازانه و اراده شخصی انقلاب پیروزمند ملت را بدین حال و روز انداخته اند.  
مراکز متعدد قدرت برای اعمال نفوذ و حفظ و استمرار سلطه و سبطره خود در جامعه بدنبال محل و مرجع دیگری که مجلس باشد هستند. پس این حوزه های قدرت بهیچ وجه از بین نمی رود بلکه نیرو و قدرت خود را مستحکم کرده و در آتیه سیر حرکت مردمی را بشدت وحدت سرکوب خواهند کرد.  
بنابراین چگونه انتظار دارید از کسانی که تا دیروز برای تائین امیال خود در مواضع قدرت کوچک ترین حرکت مثبتی در جهت حفظ منافع مردم و پیشبرد اهداف انقلاب انجام نداده اند در مجلس آینده با برنامه های انقلابی و مردمی شما که مورد تائید ملت است تقاضای توافق نشان دهند؟  
این مجلس با شکلی که ارائه خواهد شد جزء یک موضوع دیگر قدرت مداری ضد مردمی چیز دیگری نخواهد بود این مجلس با چنین پیش درآمدی نظرگاه کلیه مخالفان اسلام و ملت و شما خواهد بود. اینکه عنوان میشود با تشکیل مجلس، کشور از ناسامانی و تعدد مراکز قدرت رهائی می یابد بسیار ساده اندیشی خواهد بود زیرا تمام اعمال توطئه و فشار و انحصارگری بنحوی از انجام آمده شرکت و دخالت در آن هستند تا قدرت را بلوکه کنند!  
اینک که شما از اقبال و باور مردم ستمدیده ایران برخوردار هستید و تخلفات بین و آشکاری نیز در انتخابات انجام گرفته که آزادی انتخابات و تجلی اراده واقعی ملت را مخدوش ساخته است و یک درصد امید به اینکه دولت جمهوری شما بوسیله این مجلس حمایت شود امکان

عادی دیده نمی شد بلکه عاقبت چیزی از فرمایشات ایشان دستگیر شوندگان نشد این صحنه و تهیهی این رپورتاژ و گزارش فوری نشان دهندهی دوجانبه است یکی اینکه هنوز اگر گردانندگان اصلی تلویزیون بخواهند کار کنند و گرفتار وحشت و چنگدگاری ذهنی نباشند قدرت و لیاقت تهیهی برنامه های زنده و ارزشزنده ای را از حقایق آنچه در جامعه می گذرد دارند و دیگر اینکه نمونه های مختلف از طبقات مختلف مردمی که جوی دوربین تلویزیون ظاهر شدند و عقاید و نظریات خود را نسبت به برنامه های تلویزیون با صداقت و صراحت ابراز کردند و ضد انقلاب و انتقادی و طعنه ای هم نپوشند. مردم همین شهر و همین سرزمیند و عقایدشان حتی درصدمتاز جمعه و حتی پس از انجماع بیانات امام جمعه درست فرطندی مقابل عقاید امام جمعه استند و این ستارای پیش می آید که در تعطیلات و گردش نوروز حضرت امام جمعه تهران آیا با اهدای این سیلک سروکار داشته اند یا مردم با جالبها یا آنها که برای حفظ مراسم پنهانی دستاورد انقلاب آنچنان اظهار نظر می کنند که همه در تلویزیون دیدند و شنیدند؟

### از پیام امام چماق تکفیر نسازید

بقیه از صفحه اول

توده های مردم را که با چشمان خوشفاد جریانه های وحشتناک تقلب و تزویر در انتخابات بودند در پشت سر خود داشته باشند گروه های انحصارطلب نه تنها میخواهند با سواستفاده از پیام امام از رسیدگی به تقلبها

بهره ببرند و دخالت های غیرقانونی خود در انتخابات جلوگیری کنند بلکه میخواهند با تفسیرهای مداوم از این پیام در مطبوعات و رادیو و تلویزیون زمینه سرکوب خشونت بار و خونین مخالفین خود را نیز آماده کنند.

مازاکسون این خطر عظیم را هشدار میدهیم که با این پرونده سازبها نیروهای عظیمی از مبارزان و مسلمانان معتقد و فلسوف و مردم سرخوخته از انصارگرانی ها و تقلب ها و تزویرها را از انقلاب جدا میکنند و بدمت خود راه توطئه امپریالیزم آمریکا و غرب را برای نابودی انقلاب و انحراف آن از مسیر اصلی آن هوار میکنند. اگر این شیوه ها خودجونی از توطئه امپریالیزم آمریکا نباشد و اگر همه این انحصار گرایی ها مبارزه با نیروهای اصیل انقلابی را نتیجه نفوذ عوامل امپریالیزم و جزئی از نقشه از پیش ساخته آن برای نابودی انقلاب اندام نتیجه غائی این شیوه های انحصار طلبانه و تلاش برای قبضه کردن سراسری قدرت چیزی جز کنار آمدن با امپریالیزم و غرق کردن انقلاب ایران در اقیانوس طمع بیکران سرمایه داران بین المللی یعنی راکلفرها و زرنال موتورزها و ای تی تی ها و مزدوران آنها یعنی کارتهای و کی سینجرها و زرنالهای نشسته و بازنشسته پنتاگون نخواهد بود.

وسر انجام خط زنجیر این رابطه چگونه بسته میشود این خطر زنجیر را طبقه حاکمه جدیدی تشکیل میدهد که برای تامین منافع خود و همسنان بیگانه یعنی زربه دوچیز احتیاج دارد: اول: خشونت و جوب و چماق. یعنی قدرت دوم: تحمیق و تحمیل اعتقادی توده ها یعنی تزویر:

تجربه و در عرضه بحث و گفت و گوی آزادانه و عاری از سانسور و فشار در معرهن داوری ایشان قرار دهند. باید مجال پرورنده سازی های پلیسی برای افراد و گروه های انقلابی که همچنان به جمهوری اسلامی وفادارند و خواستی جزنق محضوی اصیل اجتماعی و اقتصادی اسلامی ندارند از بین برود.

انقلاب مادربرابر توطئه های بزرگی از سوی امپریالیزم آمریکا و جهانخواران توسعه طلب قرار دارد فشار و خشونت یک گروه انحصار طلب و ایجاد یک مجلس شورایی که اساس آن بر تقلب و تحمیل نامه های غیررسمی باشد قدرت دفاعی انقلاب مارا در برابر این توطئه ها در هم خواهد شکست. ما تعجب میکنیم از کسانی که برای خود مایه اخلاقی و اسلامی قائلند اما حاضر میشوند که با شرکت درلیست های انحصار طلبان و از طریق شیوه های خشونت و تقلب با آرای ساختگی و تقلبی خود را نمایندند مردم در اولین مجلس جمهوری اسلامی بدانند. چرا این افسایان نامزدهای وکالت که خود را مسلمان و انقلابی میدانند در روز رای گیری به حوزه ها نرفزند و از نزدیک روشهای فشار و خشونت و تقلب را ندیدند؟

چرا به میان مردم نمی روند و از آنها درباره انتخابات سوال میکنند. چرا اسناد و مدارک تقلب ها را مطالعه نمیکند چرا از خود نمی پرسند که با وسیله ای این چنین بدوسرا با تزویر و تقلب به هدف خوب نمیتوان رسید: چرا از خود نمی پرسند که وکالتی این چنین آمیخته با تقلب و تزویر طاعتیت ندارند و اسلام هرگز بر مشروعیت یک چنین نمایندگی صحنه نمیتواند و یک چنین مجلسی هرگز نمیتواند حافظ منافع توده های زحمتکش ایران باشد و هرگز نمیتواند نیرو و قدرت

گروه های وابسته به خود قرار میدهند. و با ایجاد شبکه منظم سازمانی بدون کوچکترین ترس و وا همه و تکراری از عکس العمل مردم و با استفاده از همه شیوه های ممکن در جریان انتخابات و رای گیری به نفع نامزدهای خود در همه جا سوء استفاده میکنند. وقتی که به آنها میگویند مگر انتخابات آریامهری جزاین بود آنوقت بانگ بر میارند که ای داد و بیداد که به اسلام و جمهوری اسلامی تو حین میکنید. ای داد که چه گستاخی عظیمی به خرج میدهند که بخود اجازه میدهند انتخابات دست آموز حزب حاکم را با انتخابات آریامهری مقایسه میکنند؟

عجبا که باید زبان از حلقوم گویندگان این اعتراض برید. چرا باید انتخاباتی را که از الف تا ی در زیر شبکه های حزب حاکم و سازمانهای زیر نفوذ آن انجام گرفته است با انتخابات آریامهری مقایسه کرد؟

چرا باید چیزی جز تعریف و تمجید و ستایش نگفت، چرا باید گفت که چگونه است که همه نهادهای انقلاب و سازمانهای بزرگ دولتی باید زیر نفوذ حزب حاکم باشد؟ چرا هر کس که زبان به اعتراض گشود باید آمریکائی و بورژوازیال را و سازشکار نباشد چرا نباید قبول کرد که همه نیکان و پاکان و انقلابیون اصیل روزگار یکجا در همین گروه های مدعی قدرت جمع شده اند و هر کس که از این گروه ها نباشد چیزی جز ضد انقلاب و ضد اسلام و متناقض نیست؟

ضرورت شمول و انشراف رهبری امام ایجاب میکند که همه افکار و عقاید و شیوه های فکری و اعتقادی مبارزان انقلاب ایران در حیظه دید و مشاورت ایشان قرارگیرد و برای همه میسر باشد که صداقت و اخلاص انقلابیشان را در میدان

در کدام میدان آزمایش و تجربه این ادعا را ثابت کرده اند؟ انقلاب ایران یک میدان تجربه و آزمایش بود انتخابات مجلس خبرگان و ریاست جمهوری و مجلس شورای یک میدان تجربه بود نهادهای انقلابی و عملکرد آنها یک میدان تجربه و آزمایش بود. دعویهای پی در پی ضرورت همکاری بین روحانیون و روشنفکران و دانشگاہیان که خود عنوان می کردند یک میدان تجربه بود و بیاینده همه این میدانهای تجربه و آزمایش انقلابی را که بدست آنها تسخیر شد مورد بررسی قرار دهید و نتایج این تجربه ها را به طور دقیق به اطلاع مردم برسانید به تبلیغات دوران آریامهری نگاه کنید یا فستی بر دهان مردم سنگ سکوت و خاموشی نهاده بود و با دست دیگر برای خود تبلیغ می کرد از آزادی و رشد و توسعه مداوم کشور مردم می زد؛ همه صداهای مخالف را کمونیست می نامید و امروز همین انگ را حزب حاکم به طاهر احمدزاده می زند که بخاطر دختر کمونیستش نتوانسته است رای بیورد؛ عجبا که حزبی که خود را اسلامی می داند این چنین افراد را بخاطر عقیده تکفیر می کند آنهم برای پدر بخاطر عقیده دختر پرورده پلیسی تکفیر و ارتداد می سازد. دشمن انقلاب ایران کسانی هستند که برای بدست آوردن قدرت و حکومت از اعتماد امام سوء استفاده می کنند و برای مخالفان خود پرورده پلیسی میسازند و قانون اساسی را زیر پا می گذارند.

وهمه اصول اخلاقی و انقلابی را با صراحت بپت آور با چماق تهمت و تکفیر و اتهام میکنند و همه امکانات سیاسی و مالی و اقتصادی و امنیتی و تبلیغاتی و ارتباطی جمهوری اسلامی را بدون صواب و کتاب در خدمت حزب خود و

تصور کرد که گروهی که جز تسلط بر قدرت مطلقه باسم اسلام هدف دیگری ندارند مخالفان شیوه های انحصارگرا نه و مطلق طلبانه خود را به اسم مخالفین انقلاب قلمداد کنند و آنها را که سوابقی جز مبارزه و زندان و شکنجه و مخالفت علنی با رژیم طاغوتی نداشتند با عوامل داخلی و خارجی ضد انقلاب و طرفداران رژیم طاغوتی و طالبان امتیازات انحصاری اجتماعی و سیاسی در یک ردیف قرار دهند؟

عجبا که طاهر احمدزاده که دو فرزند خود را در راه انقلاب از دست داده و خود سالها در زندان طاغوت رهنجیر مرحوم طالقانی و سایر رزمندگان انقلابی بود وقتی همراه سایر مردم انقلابی خراسان به جریان سراسر تقلب و تزویر انتخابات مشهد اعتراض می کند همچنان با چیزی جز اتهام و ناسزا و تکفیر از سوی حزب حاکم رو به رو نمی شود.

آیا نیروهای اصیل اسلامی فقط در این حزب و گروه های وابسته به آن مشکل شده اند.

ضابطه اسلامی این اصالت که فقط در انحصار این گروه ها در آمده است چیست؟

چه کسی و چه عملی و چه ضابطه ای این اصالت انحصاری را برای این ها معین کرده است چه کسی میتواند بخود اجازه می دهد که طاهر احمدزاده ها و مرواریدها و تهرانی ها و لاهوتی ها و هزاران مبارز انقلابی ضد انحصارگرانی و ضد روشهای فاشیستی و فرصت طلبی را از نیروهای اصیل اسلامی کنار بگذارد مگر این اصالت انقلابی و اسلامی در میدان عمل و تجربه نباید ثابت شود؟ کسانی که ادعای اصالت انقلابی دارند و جز خود همه نیروهای مخالف ضد انحصارگرانی را مخالف اسلام و انقلاب می دانند

رهبری امام باید از مرزهای مذهبی و مسلکی و حزبی و فرقه ای در گذرد حرمت این شمول باید قبل از هر کس بوسیله نزدیکان امام و برگزیدگان ایشان در مشاغل عالی انقلاب و دولت حفظ شود؛ حرمت این شمول از آنجانی که برای حفظ دست آورد های انقلاب وسیله احساسی و عاطفی تحریک و بسیج توده های متظاهر قاطعیت و اشتی ناپذیری انقلاب ما با استعمار و امپریالیزم و مظاهر کفرآمیز اقتصاد و فرهنگ استعمار است و وظیفه همه افراد و گروه های است که دعوی بستگی به خط امام را دارند. این بزرگترین خدمت به امپریالیزم و عوامل وابسته داخلی و ضد انقلابی است که شمول رهبری امام با این گونه تحریفها و نفوذهای تلقینی و تبلیغی به سود گروه های انحصار طلب مورد تجاوز قرار گیرد و با سوء استفاده بخاطر منافع فردی و گروهی قدرت طلبان به حرمت و جامعیت آن لطمه وارد شود.

وقتی یکی از روحانیون به شکل تبلیغی انتلاف انتخاباتی حزب حاکم اعتراض می کند و آنرا بر خلاف مذاکرات قبلی تحریف شده می خواند جلات آخر جوابی که روابط عمومی حزب حاکم به حجة الاسلام مروارید می دهد چنین است:

« ... در این مرحله حساس که مخالفین انقلاب در یک خط واحد با همه تضادهای خود متفق شده اند شما چه کمکی به وحدت نیروهای اصیل اسلامی کرده اید... »

بنظر ما این گونه تلقی از وجود جو اعتراض و انتقاد به انحصار طلبی باسم اسلام و در زیر پوشش نیروهای اصیل اسلامی بزرگترین خیانت آشکار به انقلاب ایران و مخصوصا محتوی اسلامی است زیرا انقلاب ایران بهر صورت و در زیر هر گونه فشار و توطئه ای اگر آنکس حرکتش برای مدتی بطبی شود اما هرگز از حرکت تاریخی باز نمی ماند اما متأسفانه با این گونه برداشتهای خطرناک تبلیغی و تلقینی محتوی اسلامی آن مورد تهدید قرار می گیرد چگونه میتوان

### موسیقی ملی

بقیه از صفحه اول

دو یک راه واحد و معقول بیکدیگر بیوندند تا، با افزایش نیروی ایمان ملت به رهبری، از اختلافات کاسته شود و موسیقی، این جزه انکارناپذیر اجتماع ما درجهان، دایره ای نیز مانند تمام خواسته های طبیعی بشر در مسیر صحیح حرکت درآید.

چرا بایستی سرپرستان و مسئولان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران بخاطر آنکه میداد مورد غضب رهبران حزب خود و یا سایر پیشوایان قرار گیرند، شهامت اظهار نظر روشن درباره موسیقی و آنچه فقط موسیقی ایرانی را نداشته باشند؟ و یا بی اهمیت جلوه دهند آن کتاب واژه ها بگردد؛ تا تأثیر واکتس در بخش یک خیر اشتباه و یا جعل شده گنر است، ولی آنچه که امروزه در هنر موسیقی ایران گذشته و روا میدارند چیران زبانش بر مردم و انقلاب مشقت اورت و بجایهای غیر قابل جیران است. موسیقی سنتی، مردمی و اصیل ایران در حد خود کلتای وجود دارد و احتیاجی نیست که مانند مواد غذایی و کالاهای دیگر از خارج وارد گردد تا به پایه خودکفائی رسید. ایران بنقدار کافی موسیقی صحیح، اخلاقی، اسلامی و انقلابی دارد که بهتر از موسیقی همسایه های بیگانه در چهارچوب تصورات ایرانی می گنجد و گفتارهایش در اصلاح جامعه موثر تر است. روش سرپرستان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در انتخاب موسیقی غیر ایرانی چیزی جز تبلیغ وسیع غرب و شرق و اجنبی پرستی نیست. موسیقی آنها خریست چون نمی فهمید و بد و خویش را

ملکت و اسلام ترجیح می دهند و اگر فردی از آنان دوست اعطانی اش نالایق و ناآگاه از آب درآمد و ماهیت اخلاقی اش در آن مقام به انقلاب لطمه زد هم او را در دست دیگری بکار می گیرند تا رسم دوستی های دیرینه را ناسرد سازد، حتی اگر کشوری را بربوده اند. ادا کنند و هم راه را برقیه خویشان و آشنا یان باز می کنند. با فساد از هر قبیل که باشد، باید مانند گرانفروشی مبارزه کرد ولی مبارزه بایستی با ریشه اصلی آنها که عوامل شیوع و رواج هستند باشد. راه مبارزه با موسیقی مبتذل برهم ریختن دکه های نوار فروشان و درگرانفروشی شلاق زدن درملاعام و بستن یک مغازه نیست. نخست باید عاملین اصلی آنها مجازات گردند. وقتی از صدا و سیما سروشی بخش می شود که نوع موسیقی اش تو حین می شود کلام اسلام است که بر آن گذارده شده است و آنرا هم چون تهد خرواستار دارد مردمی معرفی می کنند چگونه ممکن است فرصت طلبان را در میدان مبارزه با فساد نظر نداشته اند که از دستگاه تبلیغاتی اسلامی ایران بخش می شود انواع مختلفی را به بازار عرضه نکند؟

از آنجا که مسائل ملکت هیچگاه به مسائل فقهی محدود نمیشود و فرهنگ آئین و سنن در چهارچوب ملیت از اسبوق مشخص کننده یک اجتماع می باشد. لازم است بعضی اینک و واقعیتهای اجتماعی سرکوب شود و تحت فشار قرار گیرد و یا به چند پایه تقسیم گردد تا مایه اصطلاکی در سطوح رهبری موجود آید. همه نقطه نظرهای ملجمی

تصمیمات لحظنی در تمام مسائل آن سازمان، که هنر موسیقی یکی از مهمترین ارکانش محسوب میشود. و به سبب گردش بر محور ناخود آگاهی، سبب شده اند که همواره بر تعداد شنوندگان امواج رادیویی کشورهای بیگانه، بخصوص شنوندگان عزیز مرز نشین در چهار گوشه ایران، افزوده شود و این قلمی است که سرپرستان سازمان بنفع سیاستهای دشمن بر داشته اند.

آیا هنگامی که این سرپرستان برگزیده می شوند اخلاقی بودن، اسلامی بودن و آگاهی شان در زمینه های مختلف اجتماعی و فم سیاسی آنان نیز ملاک انتخاب قرار میگیرد؟ و یا فقط بصرف آشنائی و دانش روابط و یا مسلمان بودن (آنها از نوع ناقصی که هر یک از ما بسبب مناعت دستگاه گفشته از آموزش صحیح آن بهره نبرده ایم) بر مرمدمور قرار می گیرند؛ و اگر سرپرستانی که تلیحال بر این دستگاه حکومت کرده اند شرایط و صفات حسن اسلامی را دارا بوده اند پس بطور مورد غضب مسئولان ملکتی و مذهبی و دارای صفات حسنه قرار می گیرند و برکتی می شوند؟ عهده دار شدن مسئولیتهای مختلف ملکتی نیاز به دار بودن دید وسیع اجتماعی دارد ولی غالب مسئولان پس از انقلاب نه تنها از دید وسیع اجتماعی برخوردار نیستند زیرا که امکان برخوردی لازمه بر روی دست آوردن آن را نداشته اند. بلکه از اتحد و همکاری تنها روابط بین دولستان و خویشان را داشته و بعضی از علان رژیم رستاقی را در بر کار گرفتن آشنا یان بر مصالح

انقلاب بدون نوسان باقی بماند، زیاد شود غالب انگسازان این آهنگهای بظاهر انقلابی که بخش انارشان از صدا و سیما سبب بهترین تبلیغ و رواج کارشان در بازار شده است همان کسانی هستند که قبل از انقلاب آهنگهای مبتذلشان بازاری گرم برای فساد جوانان برآه انداخته بود و حالا با استفاده از کلام محترم مذهبی و شعار دینی ما بر روی همان آهنگهای مبتذل، ویا با راه یافتن به درون بعضی از احزاب و گروه ها منافع خود را همواره حفظ کرده اند و مسئولان ملکتی و صدا و سیما بعلت ناآگاهی از شیوه صحیح این هنر و علم واز آنجا که غالب آنان خود در زمان طاغوت شنونده همین موسیقیها بوده اند، نه تنها گوششان را خوش میآید بلکه آتر مردمی نیز دانسته و به این حسین (سوء) انتخاب خود در بخش از صدا و سیما هم معروانه میبایند در یکی از تالارهای شهر هم وقتی قطعه تی کاملاً وابسته به غرب را اجرا میکنند. سرپرست آن تالار قلب واقعیتم کرده و در نوشته تی بدست شنونده آن بر نامه میدهند. قطعه را انقلابی معرفی میکنند وعده تی هم از تعالی ونلداتی این غیر مسئولانه سوء استفاده کرده ویا عرضه موسیقی های سنتی، اصیل و مردمی و غالباً با متون بی اثر و محضوی سیاسی وایدئولوژی وابسته جاییشان را در انقلابی که بیچوجه سعی در آن ندارند، در میان مردم باز کرده ویا از این طریق ایدئولوژی مخرب و مغرضان به حال یک جمله مستطاف. زاد و اسلامی را تبلیغ میکنند. سرپرستان صدا و سیما به سبب نداشتن

جمهور بارها از بحث ازاد، مشارکت کشور مختلف و همکاری گروه های سیاسی- مذهبی- اجتماعی برای رسم خطوط روشنی در حل مشکلات این سرزمین سخن می راند بخاطر آنستکه در اسلام به شیوه های غیر اخلاقی و انسانی نیازی نیست. متأسفانه برخلاف شیوه اسلامی، یکی از لطمه ها و رهبریهای چیران ناپذیر به انقلاب اسلامی ایران را سرپرستان مختلف صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران زده اند. آنکه برای نخستین بار بدون کوچکترین اطلاع قبلی ودانش و آگاهی کلفتی و ضیحیح از امور تخصصی، وظیفه ارشاد و راهنمایی میلیونها ایرانی وشاید هم گرامان بیرون از مرزها، بدستشان سپرده شده است. ناآگاهی شان باعث گردید تا عقیده هایشان در برخورد با آنها سبب حداقل استفاده صحیح از این وسیله آموزنده و روشنگر گردد این سرپرستان بخاطر وظیفه شان در برابر فرد یا گروه ویا یک حزب سیاسی، وظیفه خطیر خود را در برابر ملت ایران فراموش کردند ویا شیوه های انقلابی نمای خود به طاهر عرضه نموندهای غلط و بی ضابطه در هنر موسیقی از یک سو و از سوی دیگر جلوگیری از تولید و بخش موسیقی سنتی و اصیل و مردمی از این دستگاه سبب شده اند تا تعداد متخصصان ماهانه صنعت ماهانه مسئولان تهااه و انقلابی تهااه برای آنکه متقاضیان از دوران گذشته به دوران پس از

چهارچوبی دارند؟ آیا مثلاً بخش موسیقی غربی و شرقی، آنچه از انواع مختلف آن، چه موسیقی رقصهای بیگانه و چه نوز کلاسیک آن و یا در بطن فیلمهای خارجی که سرپرستان مختلف صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران که خود را تنها مسئولان و وارثان انقلاب و اسلام راستین می دانند و در طول بیست و چهار ساعت بخورد بیننده و شنونده خود می دهند اخلاقی و اسلامی است؛ دولت میخواهد با چه ضوابط قانونی - اخلاقی - اسلامی، هنر منته خاطر را مجازات کند؟ اگر ضوابطی هست حاصل چه روایتی است؛ آیا اصولا ضوابطی در فضای هنر و عرف راجع به خاطر به هنر اخلاقی - اسلامی - انقلابی وجود دارد؟ و یا ضوابط «هنر دواورده» امروزی را میگویند که احزاب و گروه های سیاسی - که هر کدام هم خود را مسلمان تر و انقلابی تر از دیگری میدانند و متأسفانه حداقل شبهاتی را هم از نظر دید سیاسی - مذهبی با یکدیگر ندارند، می باشد؟ هنر با سخن راندن درست نمی شود یا زور هم غیر ممکن است اصلاح شود نتیجه آنچه در نظام های زورگوی شرق و غرب و وایتگانگشان پدیدار شده است جز حرکتی مخفی و زیرزمینی چیز دیگری نبوده است. ولی اسلام راستین را که نیازی به این نیست. اسلام مذهب عقل، انسانیت و انسان سازی است و اگر رتیس

# فاتحه چای لاهیجان را بخوانید

## اگر محمد علی خان بابت خرید هر رای پنج یا ده تومان از جیب خودش می داد، رئیس پاسداران و کاندیدای لاهیجان قطعات باغ چای مستضعفین و باغداران را و درخت تبریزی مردم را بابت جمع آوری می بخشید

شرح استان گیلان برگشته اند و رای قابل توجهی به او نداده اند اما نرات اول و دوم سوم صاحبان رای به ترتیب رئیس پاسداران لاهیجان است و کاندیدای مجاهدین و بعد کاندیدای فدائیان، اما کاندیدای اول یعنی رئیس سپاه پاسداران وسایل و اسباب بزرگی همه آماده دارد چنانکه از پرده ها و اعلانات تبلیغاتی او هم برمیآید مرد عمل است نه مرد حرف. منتظر طرح و نقشه و دستور و برنامه نمیشود باغها و زمینها را به میل خود تقسیم میکند نه تنها باغها و زمینها را که درختان مردم را هم قطع میکند و تقسیم میکند. کارش هم شرعی و خدا پسندانه است. آخر باید به هر قیمت رای آورد و به مجلس رفت.

لاهیجان مرکز چای و چایکاری ایران است. یکی از خیانتهای هویدا این بود که در چند سال پیش طی ناطق در لاهیجان گفت: وقتی که یک کارگر زن یا مرد میتواند روزی پنجاه تومان یا بیشتر در کارخانه مزد بگیرد، صرف نمیکند که خرده برای زراعت چای معطل کند. پس بهتر است تا درآمد نفت را داریم وارد کشندی چای از هندوستان و سیلان و انگلیس باشیم و چایکاران را به طرف کارخانه های صنایع مونتاز و وابسته سوق بدهیم.

غارت شده از انوسی دهکده بیرون امدیم به تقسیم اموال نستیم. فرشها و گلبه های قبیله و طلاها و گوشواره های به خون آلوده سهم سپید بود و بقیه را میان ما تقسیم میکرد. سردار فاتح در میان کار ایستاد و فریاد کشید:

از چند باغبان شنیدیم اینکه فرستادگان تفنگدار این کاندیدای محترم به اینگونه خانه ها سر میزند و از باغبان طلب اجناس عتیقه ای طبقه بالا را میکند تا به سرد مستضعفین اصبط شود.

راقم این سطور در سفر کوتاه عید به لاهیجان باغهای چای بسیاری را بیل زده دیدم و علت اینکه کاندیدای محترم و رئیس پاسداران مشغول تقسیم باغهاست. از جمله دو هکتار باغ یک چایکار را که مجموع خانوارش ۹ نفرند میان چهار نفر دیگر تقسیم کرده و خانوارهای صاحب باغ را بی نصیب گذاشته است. از باغی دیگر نزدیک بیست درخت تبریزی که شرعا و عرفا متعلق به صاحب اصلی است بازر و تفنگچی بریده و به دیگران داده است.

# مسکو بدون ساخاروف

الترناتیو: دوازده سال پیش یعنی در سال ۱۹۶۸ شما، نامه سرگشاده ای نوشتید که بر علیه پرگشت دوران استالینی در اتحاد شوروی هشدار داده بودید. بنظر شما چرا استالین زدانی که در زمان خروشف جادویی پیدانمود به شکست منتهی گردید.

مجله: الترناٹیو پاریس - شماره ۳ مترجم: غ - وثیق

مصاحبه هانی که با لوف کولف و گتورگی ولادیمیر در شماره سوم مجله الترناٹیو منتشر گردید به توسط فرستاده مخصوص این مجله در ژانویه گذشته به مسکو و در روزهای بعد از بازداشت و تعهد اندر ساخاروف به گورگی انجام گرفته است.

شما طرفدار آرامش هستید؟ - بوم. من طرفدار توسعه مرادوات و تماس ها و از بین بردن سلبه تسلیمات پیوم، اما نه بهره رقیبتی من طرفدار آرامشی که به قیمت استیلا چکوسلواکی و افغانستان تمام شود نیستم و نیز طرفدار آرامشی یک جانبه نمیباشم. من جزو آنها نیستم که موافقت نامه های هلنیکی را جدی میگیرند.

### کلیات سلیمی تهرانی

مجموعه اشعار علی اکبر مشیر سلیمی منتشر شد

### توزیع و پخش: دفتر روزنامه جنبش و کتابفروشیهای معتبر

قابل توجه نمایندگان شهرستانها خواهشمند است بدهی خود را فوراً ارسال دارید تا مجبور به نام بردن بدهکاران در روزنامه شویم

تشخیص نمی دهیم چرا میخوانند شما بگویند که هنوز «مرغ هسایه غلز است»؟ آنها که موسیقی شان را از این دستگاه پخش میکنند به ریش ما میخندند و از وابسته بودن یعنی وابسته کردن ما بدست سرپرستان صدا و سینما ما به خردشان در این زمینه هم لذت میبرند و موسیقی شان را در شمار عوامل تضعیف فرهنگ و انقلابیان به شمار می آورند.

مخالفتان مجازات اعدام را رهبری مینموند. با به تعبد کشاندن وی، در حالی که هیچگونه امکان ادامه کار علمی اش وجود ندارد و با سلب کلیه عناوینی که در این کشور بدست آورده بود، قدرت حاکمه نفرت خود را نه فقط از علم و دانش، نه تنها از ارا عمومی جهانی، بلکه بخصوص از کشور متعلق به خود، از منشا وزارت ریش را نشان داده است.

مخالفتان مجازات اعدام را رهبری مینموند. با به تعبد کشاندن وی، در حالی که هیچگونه امکان ادامه کار علمی اش وجود ندارد و با سلب کلیه عناوینی که در این کشور بدست آورده بود، قدرت حاکمه نفرت خود را نه فقط از علم و دانش، نه تنها از ارا عمومی جهانی، بلکه بخصوص از کشور متعلق به خود، از منشا وزارت ریش را نشان داده است.

## پدر طالقانی در زندان



شرح محاکمات و خاطرات پدر طالقانی در زندان بقلم و «دست خط» خودشان گردآورنده: بهرام افراسیابی

مثلا امیدوار بودم که به دنبال آن، در مسکو مطبوعات آزاد بوجود آید و کتابهای غربی منتشر شوند. ولی از این بابت کاری انجام نگرفت، در روزهای ما تمام اقداماتی که در غرب منجر به منع اشتغال فردی میشود بوقت بازگویی می کنند برعکس وقتی مطبوعات غربی از مزاحمت هانی که به حقوق کار در اتحاد شوروی بوجود میاید صحبت میکنند، انرا «دخالت در امور داخلی دیگران» عنوان مینمایند.

مثلا امیدوار بودم که به دنبال آن، در مسکو مطبوعات آزاد بوجود آید و کتابهای غربی منتشر شوند. ولی از این بابت کاری انجام نگرفت، در روزهای ما تمام اقداماتی که در غرب منجر به منع اشتغال فردی میشود بوقت بازگویی می کنند برعکس وقتی مطبوعات غربی از مزاحمت هانی که به حقوق کار در اتحاد شوروی بوجود میاید صحبت میکنند، انرا «دخالت در امور داخلی دیگران» عنوان مینمایند.

آسیا: تغییر و تحول موقعیت در افغانستان

افغانستان: از شورش تا مقاومت

بخش اول

بماند شن های صحرا

ظهورشان بر صحنه، افشا و کشفی برای جهانپان ششبار رفت، در حالیکه برای ما چیزی مگر تاکیدی ساده نبود...

موتانده خان، رئیس یکی از ایل های افغانی پاکستان، در جنوب شرقی کابل، به کشاورزی و دامپروری پرداخته...

خط مرزی کفای مونیتر - دورانه که در اوایل قرن گذشته بوسیله انگلیسیها برای جدا کردن امپراطوری بریتانیا...

موتانده خان با لیبند تأکید می کند: دوست به رنگ صحرا. تنها سلاح دفاعی ما در برابر هواپیماهایی که بالای سرمان پرواز می کنند...

دست آوردن اسلحه های جدید و دست یابی به فخریه مهمات و تدارکات به اسارت گرفتن تعداد هر چه بیشتری از سرهای افغانی، برای تبدیل کردن آنان به فراری و سپس به مخالفان...

کابل، بالاخره، جوان وطن، متعجب شده شهر طوسی که پیش از این از طرف شورشی نوری نیروی آفرین چنگل قبل از متوقف شدن...



صورت کش

پانزده هزار نفر می باشد. شش شیر، سی دهکده و دوستان و پنجاه خانوار، استخوان بندی ایل را می سازند و برای کسانی که...

پاکستان از اوایل سال ۱۹۷۹ میلادی که در آنجا استقلال دادند، به یک خانواده افغانی سالم در پایان سال ۱۹۷۹ باقی ماند...

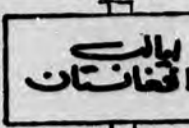
مهمات و تدارکات در تمام سطوح همچنان ادامه دارد. خاتراها، دهکده ها، شهرها، ایل ها، اشخاص مختلف بدون وابستگی...

پرس و جو، از مردم و سنبل افکار عمومی در کشورهای پیشرفته ی دنیا دیگر امروز به صورت علمی درآمده است با مصارفا و ضوابط و روش های معین که همیشه با درد معینی...

پرسش ها: نام پرسش کننده: نام خانوادگی: سن: شغل: چه نام جراب فروخته: نام خانوادگی: سن: شغل: چه

ترجمه رویاپور وکیل

نقل از روزنامه لوموند ۸ مارس ۱۹۸۰ نوشته ژان کریستف ویکتور - مردم شناس - وابسته فرهنگی در کابل بین سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۸



این وحدت و یکپارچگی که به لطف وجود وظیفه در ایل نیز نقش تعیین کننده یک خان، بدست آمده، مشر بر بودن...

یک تفنگ بختون تنها بازیچه بزرگ می شوند. بازی شکار، و وظیفه اعاده حیثیت در هنگامیکه شرافت خشمخوار شده...

هر کس که بیشتر کافر بگردد: به این ترتیب، حضور سربرازن خارجی تنها باعث تحریک بیشتر خصایص اصلی...

مطلبی است که با توجه به روش های افغانها می شود که یک افغان شایه دهکده را ترک کند، در کمین گاه پیشیند بخواند...

ترس از مرگ: این راهی است برای مقابله با آن: دانگست را در خون نخستین کسی که با ترس کشته ای، فرو برد...

به این مشکلات تاکتیکی، باید موانع فرمان استراتژیک را نیز افزود نبود فرماندهی نظامی واحد و جسور و رابقت و زور آزمایی در چهره در بین احزاب...

مطلبی است که با توجه به روش های افغانها می شود که یک افغان شایه دهکده را ترک کند، در کمین گاه پیشیند بخواند...

ترس از مرگ: این راهی است برای مقابله با آن: دانگست را در خون نخستین کسی که با ترس کشته ای، فرو برد...

به این مشکلات تاکتیکی، باید موانع فرمان استراتژیک را نیز افزود نبود فرماندهی نظامی واحد و جسور و رابقت و زور آزمایی در چهره در بین احزاب...

در دوره روسها به افغانستان روی ما به منزله یک توطئه غیر متعصبانه بود